

بررسی تحولات نسلی در الگوهای همسرگزینی جامعه ایران

مجید فولادیان^۱، عاطفه کابلی^۲

ازدواج یکی از کهن‌ترین تعهدها و به عبارتی قراردادهای اجتماعی در بین اشخاص است که اولین مرحله برای تشکیل یک خانواده به حساب می‌آید. روش‌های گوناگونی در سطح جوامع و فرهنگ‌های مختلف برای انتخاب شریک زندگی وجود دارد به طوری که هر جامعه دارای هنجارها و آداب و رسوم مشخصی در امر همسرگزینی می‌باشد. جامعه ایرانی نیز، از این قضیه مستثنی نیست. از سوی دیگر، هنجارها در طول زمان دچار تغییراتی جزئی یا کلی می‌شوند. بررسی کتاب‌های تاریخی و سفرنامه‌های موجود و تحقیقات نشان می‌دهد در گذشته، انتخاب همسر بر پایه شناخت کامل خانواده‌ها از یکدیگر قرار داشته و بزرگترها به علت اطلاعات و اقتدار بیشتر، سهم و تأثیر بیشتری در این تصمیم‌گیری داشته‌اند و گاهی میل و علاقه جوان ازدواج‌کننده، خصوصاً دختر در نظر گرفته نمی‌شده است (اعزازی، ۱۳۸۷). هم‌چنین ازدواج درون‌گروهی و ازدواج فامیلی در بین افراد، ارجحیت داشته است. به طوری که پولاک در کتاب خود اشاره کرده است «بعضی از خانواده‌ها اغلب بچه‌ها را که هنوز در گهواره بودند، برای هم، نامزد می‌کردند و این مطلب، بیشتر در مورد عموزاده‌ها صدق می‌کند» (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۴۲). این شیوه انتخاب همسر نه تنها در بین عامه مردم و طبقات پایین، بلکه در میان خانواده‌های درباری و طبقات بالای جامعه نیز رواج داشته است (پولاک، ۱۳۶۸؛ دروویل، ۱۳۸۸ و مستوفی، ۱۳۸۹).

تغییرات اجتماعی که هم‌راستا با گسترش علم و فناوری بوده، باعث تغییر و دگرگونی در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی گردیده است. ازدواج و تشکیل نهاد خانواده نیز از این قضیه مستثنا نبوده و دچار تغییرات اساسی شده است. تحقیقات و پژوهش‌های مختلفی این تغییرات و دگرگونی در خانواده و شیوه انتخاب همسر را نشان می‌دهند (صادقی و دیگران، ۱۳۸۶؛ آزاد ارمکی و دیگران، ۱۳۷۹؛ ساروخانی و مقربیان، ۱۳۹۰ و حسینی و دیگران، ۱۳۹۵). در دهه‌های گذشته، اساس انتخاب همسر بر پایه شناخت کامل خانواده‌ها از یکدیگر بوده و در این میان،

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد؛ fouladiyan@um.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد

عامل اصلی و تعیین‌کننده در انتخاب همسر، نظر والدین بوده است. انتخاب همسر نه بر اساس میل و علاقه دو طرف به ازدواج، بلکه به دلیل «جبر اجتماعی» بوده (اعزازی، ۱۳۸۷) امری که امروزه با توجه به پژوهش‌های انجام گرفته، تا حدود بسیاری اعتبار خود را از دست داده و به عبارتی به سوی همسرگزینی به شیوه مدرن پیش رفته است (آزاد ارمکی و دیگران، ۱۳۷۹؛ نوغانی و دیگران، ۱۳۹۲، ساروخانی و مقربیان، ۱۳۹۰؛ عظیمی هاشمی و دیگران، ۱۳۹۴ و اسماعیلی و دیگران، ۱۳۸۸). روند تغییر دگرگونی‌ها در ابتدا کند و اکثر تحولات در مراسم و مناسک مانند شیوه برگزاری مجالس عقد و عروسی، نوع لباس و ... رخ داده است (به عنوان مثال: رجوع شود به کتاب شرح زندگانی من اثر عبدالله مستوفی، ۱۳۶۸).

بیگانه‌گزینی، گفتگو و تعامل قبل از ازدواج، تغییر در مناسک و مراسم، افزایش سن ازدواج دختران، تغییرات اساسی در معیارهای انتخاب همسر، به وجود آمدن سبک‌های مختلف همسرگزینی و ... از جمله تغییراتی است که در پژوهش‌های مختلف به آن اشاره شده است (موحد و دیگران، ۱۳۸۵؛ کرمانی و دیگران، ۱۳۹۷؛ آزاد ارمکی، ۱۳۹۵ و جعفریان و دیگران، ۱۳۹۷).

شواهدی که شرح آن در سطور فوق رفت، بیانگر تحولات اساسی در الگوهای همسرگزینی از گذشته تا به امروز می‌باشد که در چند دهه اخیر جامعه ایرانی اتفاق افتاده است. در گذشته تنها یک سبک همسرگزینی (همسرگزینی سنتی) وجود داشته و الگوی مسلط همسرگزینی در جامعه ایرانی بوده است، این در حالی است که امروزه سبک‌ها و شیوه‌های متفاوتی از انتخاب همسر به وجود آمده است (کرمانی و دیگران، ۱۳۹۷؛ فرهنگد و دیگران، ۱۳۹۳ و ساروخانی و دیگران، ۱۳۹۵). بنابراین با توجه به مقدمه فوق، هدف اصلی از این پژوهش، بررسی تحولات نسلی در الگوهای همسرگزینی در بین دو گروه جوان (۱۵ تا ۳۰ سال) و سالمند (بالای ۶۰ سال) می‌باشد.

سؤالات تحقیق عبارتند از:

الف) چه تحولاتی در الگوهای همسرگزینی بین دو نسل جوانان و سالمندان به وجود آمده است؟

ب) معیارها و الگوهای سبک همسرگزینی در بین این دو گروه به چه شکل می‌باشد؟ در این پژوهش با توجه به اهداف و سؤالات تحقیق از دو روش استفاده می‌گردد. ابتدا از روش اسنادی برای تعیین شاخص‌های همسرگزینی استفاده می‌شود و در مرحله بعد، از روش

۳۰۰ ■ پنجمین همایش ملی پژوهش اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایران

تحلیل ثانویه برای بررسی وضعیت همسرگزینی در میان دو نسل استفاده می‌گردد. تحلیل ثانویه در این مرحله پژوهش، یک مطالعه ملی است که بر مبنای تحلیل ثانویه داده‌های کمی متغیرهای مورد مطالعه در سال ۱۳۹۰ انجام می‌گیرد.

پیمایش مورد استفاده در این بخش، طرح ملی «ملاک‌های همسرگزینی در جامعه معاصر ایران و بررسی تحولات آینده و پیامدهای آن» است که در اردیبهشت سال ۱۳۹۰ توسط موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران انجام گرفته است. جامعه آماری این طرح، مجموع افراد ۱۵ تا ۶۴ ساله خانوارهای معمولی شهری و روستایی ساکن در کل کشور می‌باشد. در این طرح با توجه به عوامل مختلف و از جمله، امکانات تصمیم گرفته شد ۵۰۰۰ فرد نمونه ۱۵ تا ۶۵ ساله مورد بررسی قرار گیرند.

یافته‌ها بیانگر آن است که نقش خانواده در انتخاب همسر در بین دو گروه، حائز اهمیت است و با توجه به سطح معناداری ($\text{sig} > 0/05$) تفاوت معناداری بین آنها وجود ندارد اما در اهمیت نقش خود فرد و اقوام و خویشان در انتخاب همسر بین دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد. ($\text{sig} < 0/05$) به این معنی است که نقش خود در انتخاب همسر بین جوانان نسبت به سالمندان بیشتر حائز اهمیت است و هم‌چنین نقش اقوام و خویشان در بین سالمندان از اهمیت بالایی برخوردار است، درحالی که در بین جوانان کمترین اهمیت را دارد.

در ارتباط با داشتن حق انتخاب در انتخاب همسر بین دو گروه جوانان و سالمندان، تفاوت معناداری وجود دارد ($\text{sig} = 0/000$). به طوری که میانگین پاسخگویانی که در انتخاب همسر خود، حق انتخاب داشته‌اند در گروه سالمند، بسیار کمتر از گروه جوانان بوده است. هم‌چنین مؤلفه «شناخت کافی» به‌عنوان مهم‌ترین پایه و اساس ازدواج در بین دو گروه جوانان (۶۲٫۷ درصد) و سالمندان (۵۱٫۲ درصد) قرار دارد و بعد از آن «عشق میان دو طرف» در بین جوانان و «نظر والدین» در بین سالمندان حائز اهمیت بوده است.

در ارتباط با الویت جوانان و سالمندان در انتخاب همسر، «خصوصیات شخصیتی» در بین دو گروه، الویت اول می‌باشد و بعد از آن ویژگی‌های مذهبی در بین دو گروه در الویت دوم است. هم‌چنین میانگین روش‌های همسرگزینی از طریق آشنایی در محیط آموزشی، محیط کاری، در اماکن مذهبی و مسجدها و از طریق خواستگاری در بین دو گروه جوانان و سالمندان

بخش اول: چکیده مقاله‌ها ■ ۳۰۱

تفاوت معناداری وجود دارد که با توجه به سطح معناداری ($\text{sig} < 0/05$) قابلیت تعمیم به جامعه آماری را نیز دارد.

واژگان کلیدی: همسرگزینی، تحولات نسلی، جوانان، سالمندان